

● بررسی رابطه‌ی بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان

پژوهشگر: احسان کاظمی

استاد راهنما: دکتر ابوالقاسم نوری

استاد مشاور: دکتر آذر قلی‌زاده



چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه‌ی بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر اصفهان و با روش تحقیق همبستگی انجام گردیده است. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش از مجموع ۱۹۱ نفر کارکنان این اداره کل، تعداد ۱۱۸ نفر به عنوان گروه نمونه‌ی این پژوهش انتخاب شدند.

از پرسشنامه‌های خودپنداره‌ی راجرز، زیر مقیاس سازگاری اجتماعی پرسشنامه‌ی شخصیتی کالیفرنیا و پرسشنامه‌ی جمعیت‌شناختی جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده گردید. ضریب اعتبار پرسشنامه‌ی خودپنداره‌ی راجرز در تحقیقات انجام شده از ۰/۸۲ تا ۰/۸۹ در نوسان بوده است. همچنین براساس مطالعه‌ی مقدماتی، از ضریب اعتبار پرسشنامه‌ی سازگاری اجتماعی از طریق محاسبه‌ی آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد. از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی به‌ویژه ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t نیز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها استفاده به عمل آمد. چنین فرض گردید که:

(۱) میان خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد.

(۲) میان سابقه کار، میزان تحصیلات و سن کارکنان با خودپنداره‌ی آنان رابطه وجود دارد.

(۳) میان سابقه کار، میزان تحصیلات و سن کارکنان با سازگاری اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد.

براساس یافته‌های آماری، میان خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان رابطه‌ی $(P \leq 0/05)$ مشاهده شد. همچنین میان خودپنداره و تحصیلات و سازگاری اجتماعی با سابقه کار و سن هر سه مورد در سطح $(P \leq 0/05)$ رابطه‌ی معناداری به دست آمد. ولی میان خودپنداره و سن، و سابقه‌ی کار و نیز سازگاری اجتماعی با میزان تحصیلات رابطه‌ی معناداری در سطح $(P \geq 0/5)$ یافته نشد.

کلید واژه‌ها: خودپنداره، سازگاری اجتماعی

مفهوم «خود^۱» و مطالعه‌ی آن در طول تاریخ بشری همواره مورد توجه انسان بوده است و فیلسوفان، متفکران و شاعران درباره‌ی آن بسیار اندیشیده و نگاشته‌اند.

امروزه توجه به خود و «خودپنداره^۲» به صورت یکی از موضوعات مهم قابل بحث در روانشناسی درآمده است. زیرا نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که تصور و پندار شخص نسبت به خود تا حدود زیادی جهت‌دهنده و تعیین‌کننده‌ی رفتار وی می‌باشد. به تعبیر دیگر، میدان فعالیت ما را در زندگی خودپنداره‌ی ما مشخص می‌کند.

بدون تردید مطالعه و بررسی هیچ یک از ابعاد وجودی انسان بدون مطالعه‌ی شخصیت وی امکان‌پذیر نیست و برای مطالعه‌ی شخصیت نیز توجه به مفهوم خود که هسته‌ی اصلی شخصیت محسوب می‌شود ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. رفتاری که هر فرد در موقعیت‌های مختلف از خود نشان می‌دهد به طور مستقیم تحت تأثیر تصور و پنداری است که وی از کل وجود خود دارد. وقتی فرد نسبت به کل وجود خود اعم از ویژگی‌های ظاهری، توانایی‌های ذهنی و جسمانی، ادراک و تصور منفی داشته باشد، این برداشت منفی در مجموعه‌ی اعمال و رفتار منعکس می‌گردد و باعث می‌شود وی در تعامل با دیگران یا در مواجهه با موقعیت‌های محروم‌کننده نتواند سازگاری لازم را از خود نشان دهد (احمدی ۱۳۷۶).

از طرف دیگر، زندگی در یک جامعه‌ی انسانی که براساس مجموعه‌ای از چهارچوب‌های ارزشی مشخص و انتظارات و توقعات خاص شکل گرفته است، مستلزم رسیدن به درجه‌ای از سازگاری است. بدون داشتن سازگاری، بسیاری از نیازهای اساسی انسان تأمین نمی‌گردد. افزون بر آن، به خاطر عدم امکان انطباق با شرایط و موقعیت‌های مختلف، فرد از سوی جامعه به شدت طرد می‌گردد و تعاملات اجتماعی وی به پایین‌ترین سطح خود می‌رسد. از آنجا که برقراری روابط صمیمانه با دیگران، به خصوص در دوران حساس کودکی و نوجوانی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد خودپنداره‌ی مثبت می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت فردی که از روابط اجتماعی گسترده و مطلوبی برخوردار نیست، خودپنداره‌اش نیز به طور مثبت شکل نمی‌گیرد. همین امر باعث می‌شود تا فرد در موقعیت‌های مختلف رفتارهای بی‌ثبات و ناهنجاری از خود نشان دهد. برعکس، وقتی فرد تصور و ادراک مثبتی از خود دارد، احساس عزت نفس و ارزشمندی بیشتری می‌کند و چون از خودپنداره‌ی مثبتی برخوردار است رفتارهای وی نیز در جهت تأیید ادراک خود، شکل گرفته و در نهایت سازگاری اجتماعی وی را موجب می‌گردد.

گوردون و گرگن^۳ (۱۹۶۸) با بازنگری نتایج ۲۵۰۰ مطالعه در مورد خودپنداره به این نتیجه رسیدند که مفهوم خودپنداره ارتباط معناداری با بسیاری از جنبه‌های مهم رفتار انسان از جمله

1. self 2. self-concept 3. Gordon & Gergen

سازگاری عمومی دارد (به نقل از گرنی،^۱ ۱۹۸۸). هاماجاک^۲ (۱۹۸۸)، یکی از ویژگی‌های عمده کسانی را که خودپنداره‌ی مثبت دارند، دارا بودن سازگاری اجتماعی و توانایی برقراری روابط اجتماعی مطلوب می‌داند (به نقل از گری^۳، ۱۹۹۴). همچنین شعاری‌نژاد (۱۳۷۳) بر این باور است که موفقیت افراد بزرگسال در سازش با مسائل زندگی، متأثر از خودپنداره‌ی آنان می‌باشد. در همین زمینه، نوایی‌نژاد (۱۳۷۰) معتقد است که کلی‌ترین ویژگی فرد سازگار این است که نسبت به خود واقع‌بین است.

شفیع‌آبادی و ولی‌نوری (۱۳۷۳)، با انجام تحقیقی به بررسی رابطه‌ی میان احساس بیگانگی و خودپنداره پرداختند. آزمودنی‌های این تحقیق که شامل ۱۰۳ نفر از دانشجویان زن رشته‌ی زبان انگلیسی بودند به سؤالات مقیاس بیگانگی دین^۴ (۱۹۶۱) و آزمون خودپنداره‌ی راجرز پاسخ دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین احساس بیگانگی و خودپنداره‌ی آزمودنی‌ها رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به سخن دیگر، افزایش احساس بیگانگی با خودپنداره‌ی ضعیف همراه است. ترقی‌جاه (۱۳۷۵)، در پژوهش خود که به بررسی ارتباط بین خودپنداره با رفتار اجتماعی تعداد ۲۹۰ (۱۴۰ دختر و ۱۵۰ پسر) از دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهر تهران پرداخته، چنین نتیجه گرفته است که بین خودپنداره‌ی واقعی و رفتار اجتماعی آزمودنی‌ها همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. شوئیتزر^۵ (۱۹۹۲) طی پژوهشی درباره‌ی ارتباط بین مفهوم خود و سازگاری در نوجوانان به این نتیجه دست یافت که آن دسته از نوجوانانی که دارای اختلال در سازگاری بودند نمرات مفهوم خود پایین‌تری به دست آوردند تا نوجوانانی که سازگاری اجتماعی بالایی داشتند (ترقی‌جاه، ۱۳۵۷).

یافته‌های مطالعه‌ی وی معلوم ساخت که رابطه‌ی مثبت و معناداری بین مثبت‌انگاری خود با میزان مقبولیت اجتماعی و نیز سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان در مدرسه وجود دارد. هدف کلی این تحقیق، بررسی و تعیین میزان رابطه‌ی میان خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان اداری کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان بود. همچنین اهداف فرعی تحقیق حاضر، عبارت بود از تعیین میزان رابطه میان خودپنداره با سه متغیر سابقه کار، میزان تحصیلات و سن کارکنان و نیز تعیین میزان رابطه‌ی میان سازگاری اجتماعی با سه متغیر مزبور. با توجه به اهداف پژوهش فرضیه‌ی اصلی به این نحو مطرح گردید که بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد.

در فرضیه‌های فرعی نیز چنین عنوان شد که بین خودپنداره با (۱) سابقه کار، (۲) میزان تحصیلات و (۳) سن کارکنان و همچنین بین سازگاری اجتماعی با هر یک از سه متغیر مذکور رابطه وجود دارد.

1. Gurney 2. Hamachek 3. Gorey 4. Deàn 5. Schweitzer

روش:

از آنجایی که متغیرهای اصلی این پژوهش شامل خودپنداره و سازگاری اجتماعی بوده که امکان دستکاری و یا تغییر آنها وجود نداشته و از قبل به وقوع پیوسته است لذا به منظور بررسی رابطه‌ی آنها از روش همبستگی استفاده گردیده است.

جامعه‌ی آماری:

شامل کلیه‌ی کارکنان زن و مرد شاغل در اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان در تابستان ۱۳۷۹ بوده که تعداد آنها ۱۹۱ نفر بوده است.

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه:

از تعداد ۱۹۱ نفر کارکنان اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان تعداد ۳۷ نفر از هنرآموزان هنرستان‌های تحت پوشش به دلیل تعطیل بودن هنرستان‌ها در تابستان ۱۳۷۹ در دسترس نبوده‌اند، لذا کل تعداد ۱۵۴ نفر به‌عنوان گروه نمونه‌ی در دسترس، گروه نمونه‌ی این پژوهش را تشکیل داده‌اند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات:

در این پژوهش از سه ابزار به شرح زیر استفاده به عمل آمده است:

۱- آزمون خودپنداره‌ی واجرز: این آزمون از دو فرم «الف» و «ب» تشکیل شده است. فرم «الف» نگرش فرد را نسبت به «خود واقعی» و فرم «ب» نگرش فرد را نسبت به «خود ایده‌آل» مورد سنجش قرار می‌دهد.

این آزمون شامل ۲۵ صفت شخصیتی است که در طرف مقابل هر کدام، متضاد آن صفت عنوان شده است. فاصله‌ی بین دو صفت متضاد، با یک مقیاس ۷ درجه‌ای نمره‌گذاری شده است. آزمودنی با توجه به نگرشی که در خصوص هر یک از صفات مطرح شده در این سیاهه درباره‌ی خود دارد با گذاشتن علامت ضربدر در یکی از نمره‌های مقیاس، ویژگی‌های شخصیتی خود را برحسب دستورالعمل فرم «الف» و «ب» ارزیابی می‌نماید. نمره‌ی ۷ همیشه بالاترین نمره نیست زیرا صفات شخصیتی مورد استفاده در این سیاهه، به‌صورت پراکنده قرار گرفته‌اند (به نقل از تقی‌زاده، ۱۳۷۵).

ضریب اعتبار این پرسشنامه در تحقیقات انجام شده از ۰.۸۲ تا ۰.۸۹ در نوسان بوده است.

۲- پرسشنامه‌ی شخصیتی کالیفرنیا^۱ (زیر مقیاس سازگاری اجتماعی): این آزمون به منظور سنجش دو بعد از سازگاری‌های کلی زندگی یعنی سازگاری روانی و اجتماعی تهیه شده است. در پژوهش حاضر، از زیر مقیاس سازگاری اجتماعی پرسشنامه‌ی مذکور که شامل ۹۰ سؤال می‌باشد استفاده شد. البته تعداد ۱۵ سؤال مربوط به روابط مدرسه‌ای که تناسبی با شرایط شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر نداشت از پرسشنامه حذف گردید. همچنین پس از مشورت با اساتید راهنما و مشاور تعداد ۵ سؤال حذف گردید و نهایتاً ۷۰ سؤال در پرسشنامه‌ی سازگاری اجتماعی گنجانده شد. ضریب اعتبار این پرسشنامه از طریق محاسبه‌ی آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد.

۳- پرسشنامه‌ی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: شامل چهار سؤال درباره‌ی جنسیت، سابقه کار، میزان تحصیلات و سن بوده که توسط محقق تدوین گردیده است.

روش‌های تحلیل داده‌ها:

متناسب با موضوع مورد پژوهش، از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده به عمل آمد. از شاخص‌های آمار توصیفی نظیر: میانگین، انحراف استاندارد، واریانس، درصد فراوانی، و از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و آزمون χ^2 به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش استفاده به عمل آمد.

نتایج: فرضیه‌های اصلی: بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد. رابطه‌ی بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱) رابطه‌ی بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی افراد مورد مطالعه

متغیر کنترل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	رابطه‌ی خالص	t	سطح معنادار
خودپنداره	سازگاری اجتماعی	-۰/۴۱	۰/۱۶۸	۰/۱۶۸	-۴/۸۴	$P \leq ۰/۰۵$

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، میان خودپنداره و سازگاری اجتماعی، رابطه‌ی منفی (-۰/۴۱) وجود دارد. این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و بالاتر معنادار می‌باشد، چرا که χ^2 محاسبه شده برابر با (-۴/۸۴) بوده که از χ^2 جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۱/۹۶) بزرگ‌تر می‌باشد. لذا فرضیه‌ی اصلی پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین رابطه‌ی خالص خودپنداره با سازگاری اجتماعی ۰/۱۶۸ می‌باشد. این ضریب به واریانس مشترک موسوم است و بدین معنا است که در حدود ۱۷ درصد تفاوت‌های فردی میان نمرات خودپنداره و سازگاری

1. California Test of Personality (CTP)

اجتماعی مشترک بوده و لذا این رابطه‌ی مشترک در سطح اطمینان ($P \leq 0/05$) معنادار می‌باشد. فرضیه‌ی فرعی ۱: بین خودپنداره‌ی کارکنان و سابقه کار آنها رابطه وجود دارد. رابطه‌ی بین خودپنداره و سابقه کار کارکنان در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲) رابطه‌ی بین خودپنداره و سابقه کار افراد مورد مطالعه

متغیر کنترل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	رابطه‌ی خالص	t	سطح معنادار
خودپنداره	سابقه کار	-۰/۰۸	-۰/۰۰۶۴	۰/۰۰۶۴	-۰/۸۶۴	$P \leq 0/05$

براساس داده‌های جدول (۲) مشاهده می‌شود که میان خودپنداره و سابقه کار، رابطه‌ی منفی ($-0/08$) وجود دارد. این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و بالاتر معنادار نمی‌باشد، چرا که t محاسبه شده برابر با $-0/864$ بوده که از t جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($1/96$) بزرگ‌تر می‌باشد، لذا فرضیه‌ی فرعی شماره ۱ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

رابطه‌ی خالص خودپنداره با سابقه کار $0/0064$ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت در حدود $0/6$ درصد تفاوت‌های فردی میان نمرات خودپنداره با سابقه کار مشترک بوده است. این رابطه در سطح اطمینان ($P \leq 0/05$) معنادار می‌باشد.

فرضیه‌ی فرعی ۲: بین خودپنداره‌ی کارکنان و میزان تحصیلات آنها رابطه وجود دارد. رابطه‌ی بین خودپنداره و میزان تحصیلات کارکنان در جدول (۳) آمده است.

جدول (۳) رابطه‌ی بین خودپنداره و میزان تحصیلات افراد مورد مطالعه

متغیر کنترل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	رابطه‌ی خالص	t	سطح معناداری
خودپنداره	میزان تحصیلات	۰/۱۸	۰/۰۳۲	۰/۰۳۲	۱/۹۸	$P \leq 0/05$

همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، میان خودپنداره و میزان تحصیلات، رابطه‌ی مثبت ($0/18$) وجود دارد. این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و بالاتر معنادار می‌باشد، چرا که t محاسبه شده برابر با $1/98$ بوده که این میزان از t جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($1/96$) بزرگ‌تر می‌باشد، لذا فرضیه‌ی شماره ۲ مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب رابطه‌ی خالص خودپنداره با سابقه کار $0/032$ می‌باشد.

فرضیه‌ی فرعی ۳: بین خودپنداره‌ی کارکنان و سن آنها رابطه وجود دارد. رابطه‌ی بین خودپنداره و سن کارکنان در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول (۴) رابطه‌ی بین خودپنداره و سن افراد مورد مطالعه

متغیر کنترل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	رابطه‌ی خالص	t	سطح معنادار
خودپنداره	سن	-۰/۰۶۵	۰/۰۰۴۲۲	۰/۰۰۴۲۲	۰/۷	$P \leq ۰/۰۵$

براساس اطلاعات موجود در جدول (۴)، میان خودپنداره و سن، رابطه‌ی منفی (۰/۰۶۵-) وجود دارد. از نظر آماری ($P \leq ۰/۰۵$) این رابطه‌ی معنادار نمی‌باشد چرا که t محاسبه شده برابر با ۰/۷ بوده که از t جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۱/۹۶) کوچک‌تر می‌باشد، لذا فرضیه‌ی فرعی شماره ۳ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. همچنین ضریب رابطه‌ی خالص خودپنداره با سن ۰/۰۰۴۲۲ می‌باشد.

فرضیه‌ی فرعی ۴: بین سازگاری اجتماعی کارکنان و سابقه کار آنها رابطه وجود دارد. رابطه‌ی بین سازگاری اجتماعی و سابقه کار کارکنان در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵) رابطه‌ی بین سازگاری اجتماعی و سابقه کار افراد مورد مطالعه

متغیر کنترل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	رابطه‌ی خالص	t	سطح معنادار
سابقه کار	سازگاری اجتماعی	۰/۲۲۵۹	۰/۰۵۱	۰/۰۵۱	۲/۴۹۷	$P \leq ۰/۰۵$

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، میان سازگاری اجتماعی و سابقه کار، رابطه‌ی مثبت (۰/۲۲۵۹) وجود دارد. این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و بالاتر معنادار می‌باشد، چرا که t محاسبه شده برابر با ۲/۴۹۷ بوده که این میزان از t جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۱/۹۶) بزرگ‌تر بوده، لذا فرضیه‌ی شماره‌ی ۴ تأیید می‌گردد.

ضریب رابطه‌ی خالص سازگاری اجتماعی با سابقه کار ۰/۰۵۱ می‌باشد. تأثیر خالص، همان واریانس مشترک می‌باشد که نشان می‌دهد در حدود ۵ درصد تغییرات دو متغیر سابقه کار و سازگاری اجتماعی مشترک بوده است.

فرضیه‌ی فرعی ۵: بین سازگاری اجتماعی کارکنان و میزان تحصیلات آنها رابطه وجود دارد. رابطه‌ی سازگاری اجتماعی و میزان تحصیلات کارکنان در جدول (۶) نشان داده شده است.

جدول (۶) رابطه‌ی بین سازگاری اجتماعی و میزان تحصیلات افراد مورد مطالعه

متغیر کنترل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	رابطه‌ی خالص	t	سطح معنادار
میزان تحصیلات	سازگاری اجتماعی	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۶۲	۰/۰۰۶۲	-۰/۹۱	$P \leq ۰/۰۵$

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، میان‌سازگاری اجتماعی و میزان تحصیلات، رابطه‌ی منفی (۰/۰۸-) وجود دارد. این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و بالاتر معنادار نمی‌باشد، چراکه t محاسبه شده برابر با ۰/۹۱- بوده که این میزان از t جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۱/۹۶) کوچک‌تر می‌باشد، لذا فرضیه‌ی فرعی شماره‌ی ۵ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. همچنین ضریب رابطه‌ی خالص سازگاری اجتماعی و میزان تحصیلات ۰/۰۰۶۴ می‌باشد. فرضیه‌ی فرعی ۶: بین سازگاری اجتماعی کارکنان و سن آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد. رابطه‌ی بین سازگاری اجتماعی و سن کارکنان در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول (۷) رابطه‌ی بین سازگاری اجتماعی و سن افراد مورد مطالعه

متغیر کنترل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی	رابطه‌ی خالص	t	سطح معنادار
سن	سازگاری اجتماعی	۰/۲۵۸۳	۰/۰۶۶۷	۰/۰۶۶۷	۲/۸۹۷	$P \leq ۰/۰۵$

همان‌طور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، میان‌سازگاری اجتماعی و سن، رابطه‌ی مثبت (۰/۲۵۸۳) وجود دارد. این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و بالاتر معنادار می‌باشد. چراکه t محاسبه شده برابر با ۲/۸۹۷ بوده که این میزان از t جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۱/۹۶) بزرگ‌تر می‌باشد، لذا فرضیه‌ی فرعی شماره ۶ مورد تأیید قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری:

فرضیه‌ی اصلی پژوهش مبنی بر این‌که بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد، در سطح اطمینان (۰/۰۵) $P \leq$ مورد تأیید قرار گرفت. این یافته با نتایج تحقیقات گوردون و گرگن (۱۹۶۸)؛ به نقل از گرنی، ۱۹۸۸، هامچک (۱۹۸۸)؛ به نقل از گری، (۱۹۹۴)، پیرجو و پولکی^۱ (۱۹۹۱) و ورشون^۲ (۱۹۶۶) مبنی بر وجود رابطه‌ی بین خودپنداره‌ی افراد و سازگاری اجتماعی آنان، همخوانی دارد. همچنین نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش ترقی‌جاء (۱۳۷۵) و دامون و هارت^۳ (۱۹۸۲) در خصوص رابطه‌ی مثبت میان خودپنداره و رفتار اجتماعی به‌طور نسبی همسویی دارد. به‌نظر می‌رسد که چگونگی نگرش فرد نسبت به خود و توانایی‌های خویشتن در عرصه‌های مختلف خانوادگی، اجتماعی و رفتاری نمود می‌یابد.

راجرز^۴ (۱۹۵۱)، معتقد است افراد براساس تصویری که از خود دارند رفتار می‌نمایند (به نقل از پروین^۵، ۱۳۷۴). در واقع سازگاری اجتماعی انسان نیز بازتابی از خودپنداره‌ی وی تلقی

1. Pirgo & Polkki 2. Verschuren 3. Damon & Hart 4. Rogers 5. Pervin

می‌شود. بدون تردید موفقیت بزرگسالان در سازش با مسائل مختلف زندگی اعم از ابعاد فردی و اجتماعی تا حدود زیادی متأثر از خودپنداره‌ی آنان است (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۳). کسانی که دارای خودپنداره‌ی مثبتی هستند توانایی سازگاری اجتماعی بیشتری از خود نشان می‌دهند. دامون و هارت (۱۹۸۲) معتقدند که ادراک خود، مفهومی شناختی - اجتماعی است و به موازات رشد اجتماعی و دریافت هنجارهای رفتاری در دوران کودکی آموخته می‌شود. در واقع با تعامل فرد و اجتماع، انسان به تصویری از خود دست می‌یابد که در دوران بزرگسالی شکل خودپنداره را به خود می‌گیرد. بدین ترتیب چنانچه فرد از وجود خود تصور مثبتی داشته باشد، در رفتار اجتماعی خود نیز سعی در حفظ آن تصویر می‌نماید. همچنین در این ارتباط دوسویه، دریافت بازخورد مثبت از محیط، باعث تقویت خودپنداره‌ی فرد شده، وی را به سوی سازگاری اجتماعی بیشتری سوق می‌دهد. فردی که نسبت به خود و توانایی‌های خویش تصور منفی دارد، به اشکال گوناگون این‌گونه تصورات را در رفتار و اعمال خود منعکس می‌کند و موجبات طرد خود را از گروه فراهم می‌سازد. بنابراین در مجموع می‌توان گفت که خودپنداره هسته‌ی مرکزی کلیه‌ی رفتارهای فردی و اجتماعی است (احمدی، ۱۳۷۶). چنانچه خودپنداره به صورت مثبت شکل گرفته باشد توانایی سازگاری با موقعیت‌ها و شرایط گوناگون را در فرد فراهم می‌سازد و چنانچه به صورت منفی رشد یافته باشد، به همان میزان در سازگاری فرد با موقعیت‌های مختلف ایجاد اختلال می‌نماید.

فرضیه‌ی فرعی شماره یک پژوهش مبنی بر این‌که بین خودپنداره و سابقه کارکنان رابطه وجود دارد، در سطح اطمینان ($P \geq 0/05$) مورد تأیید قرار نگرفت.

سابقه کار را می‌توان برآیندی از افزایش سن افراد در نظر گرفت. از آنجایی که خودپنداره‌ی فرد بعد از دوران نوجوانی و به‌خصوص از اوایل سنین بزرگسالی از تغییر و تحولات کمتری برخوردار بوده و به نوعی تثبیت نسبی می‌رسد (بیابانگرد، ۱۳۷۲، راجرز، ۱۳۷۳، کویر، ۱۹۹۶^۱؛ به نقل از تاپیا^۲، ۱۳۷۹)، لذا متغیر سابقه کار رابطه‌ی معناداری با خودپنداره ندارد. از سوی دیگر، خودپنداره‌ی افراد مورد مطالعه صرفاً تحت تأثیر سابقه کار نبوده بلکه متغیرهای دیگری از جمله جنسیت (امین یزدی، ۱۳۷۳، صادقی، ۱۳۷۸، پورکی و نوآک^۳، ۱۹۹۳)، ویژگی‌های روانی و شخصیتی (شفیع‌آبادی و ولی‌نوری، ۱۳۷۳، کیامقدم، ۱۳۷۸، جان و لی^۴، ۱۹۹۳)، وضعیت اقتصادی - اجتماعی فرد (نزهت^۵، ۱۹۸۴؛ به نقل از ترقی‌جاء، ۱۳۷۵) نیز این رابطه را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

فرضیه‌ی فرعی شماره دو مبنی بر وجود رابطه‌ی معنادار بین خودپنداره و میزان تحصیلات

1. Cuyet 2. Tapia 3. Purkey & Novak 4. John & Lee 5. Nozherit

کارکنان در سطح اطمینان ($P \leq 0/05$) مورد تأیید قرار گرفت. این یافته، با یافته‌های گرین و ریڈ^۱ (۱۹۹۲) چنانچه خودپنداره دانشجویان را به‌عنوان افرادی با سطح تحصیلات بالاتر نسبت به کسانی که دانشجو نیستند در نظر بگیریم، همسویی دارد. از آنجایی که تحصیلات به‌عنوان یک شاخص با اهمیت در شرایط و موقعیت فردی و اجتماعی محسوب می‌گردد، لذا می‌توان اذعان داشت که با افزایش تحصیلات فرد، هم باور و تصور وی نسبت به توانایی‌های خود افزایش می‌یابد و هم دامنه‌ی ارتباطات اجتماعی وی گسترده‌تر می‌گردد. در واقع می‌توان گفت که میان خودپنداره و تحصیلات، رابطه‌ای دوسویه برقرار است بدین معنا که خودپنداره‌ی مثبت منجر به افزایش توانایی‌ها و پیشرفت تحصیلی می‌شود (ارسطوی ایرانی، ۱۳۷۳) و متقابلاً افزایش سطح تحصیلات نیز باعث تقویت خودپنداره‌ی مثبت در فرد می‌گردد. در مشاغل سازمانی نیز غالباً افراد دارای تحصیلات بیشتر، پست‌های سازمانی بالاتری را احراز می‌نمایند و بدین ترتیب با قرار گرفتن در جایگاه‌های عالی‌تر شغلی، به‌نظر می‌رسد که باور و تصور فرد از توانایی‌های خود نیز به شکل مطلوبی افزایش یابد.

فرضیه‌ی فرعی شماره سه در ارتباط با این‌که بین خودپنداره و سن کارکنان رابطه وجود دارد، در سطح اطمینان ($P \leq 0/05$) مورد تأیید قرار نگرفت. نتایج تحقیق حاضر مبنی بر عدم وجود رابطه میان سن و خودپنداره، با یافته‌های تحقیقات شفیع‌آبادی و ولی‌نوری (۱۳۷۳)، زیگلر^۲ (۱۹۹۱؛ به نقل از هادی، ۱۳۷۱) و کوپر^۳ (۱۹۹۶؛ به نقل از تاپیا، ۱۳۷۹) همسویی دارد ولی با یافته‌های تحقیق دان و رانی^۴ (۱۹۸۷؛ به نقل از رضازاده، ۱۳۷۶) مبنی بر وجود رابطه میان سن و خودپنداره همسویی ندارد. عدم وجود رابطه میان سن و خودپنداره در برخی تحقیقات، شاید بازتابی از تثبیت خودپنداره از سنین جوانی به بعد باشد. کوپر (۱۹۹۶؛ به نقل از تاپیا، ۱۳۷۹) بر این باور است که خودپنداره در سنین ۲۴ تا ۵۸ سالگی تثبیت گشته و به اوج کمال خود می‌رسد. ولی، به‌نظر می‌رسد همان‌گونه که امین یزدی (۱۳۷۳) و صادقی (۱۳۷۸) اشاره کرده‌اند، غالباً میان کودکان، نوجوانان و جوانان، مفهوم خود دارای معانی متفاوتی است. به این معنا که با افزایش سن، مفهوم خود انتزاعی‌تر و واقعی‌بینانه‌تر می‌شود. بدین ترتیب، به‌نظر می‌رسد که عدم وجود رابطه میان خودپنداره و سن در این تحقیق و تحقیقات مشابه، ناشی از این باشد که آزمودنی‌های این قبیل پژوهش‌ها شامل افراد بزرگسال بوده که طبعاً دوران تحولات خودپنداره را طی کرده بودند.

در عین حال، افراد شرکت‌کننده در این تحقیق، دامنه‌ی سنی وسیعی (۲۰ تا بالای ۵۰ سال) را تشکیل می‌دادند، لذا ممکن است عدم وجود رابطه‌ی مذکور نیز تا حدودی متأثر از همین مسأله باشد.

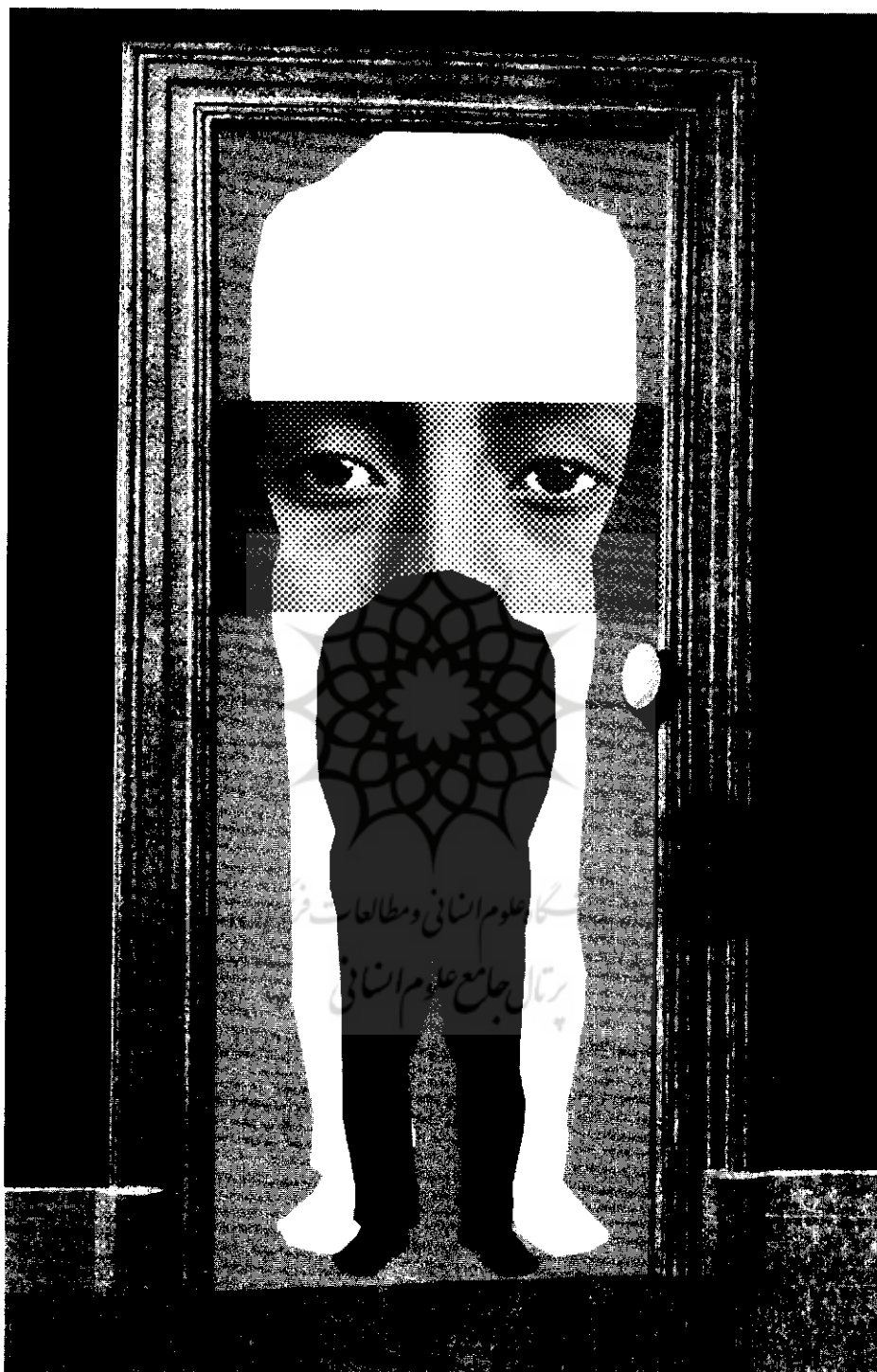
1. Green & Reed 2. Zigler 3. Cuper 4. Down & Rany

فرضیه‌ی فرعی شماره چهار در ارتباط با این که بین سازگاری اجتماعی و سابقه کارکنان رابطه وجود دارد در سطح اطمینان ($P \leq 0/05$) مورد تأیید قرار گرفت. این یافته با یافته‌ی شاه‌طالبی (۱۳۷۸)، چنانچه سازگاری اجتماعی را به‌عنوان بخشی از مکانیسم‌های سازگاری کلی فرد در نظر بگیریم، به‌طور نسبی همسویی دارد. با افزایش سابقه کار، سازگاری اجتماعی فرد نیز افزایش می‌یابد. این رابطه در قالب چند تبیین احتمالی قابل تفسیر می‌باشد. از جمله این که افزایش سنوات خدمت فرد، میزان تجربیات فردی و اجتماعی وی را در مواجهه با موقعیت‌ها و شرایط متفاوت افزایش داده و این قابلیت انعطاف‌پذیری فرد، سازگاری اجتماعی وی را بالا می‌برد. از طرف دیگر، چنانچه بتوان سازگاری اجتماعی را نمودی از سازگاری فرد با هنجارهای اجتماعی دانست، می‌توان چنین استنباط کرد که با افزایش سابقه کار، میزان آشنایی و تسلط فرد نسبت به چهارچوب‌های رفتاری و هنجاری و نحوه‌ی سازگاری با دیگران افزایش می‌یابد.

نتایج مربوط به فرضیه‌های فرعی شماره پنج نشان داد که بین سازگاری اجتماعی کارکنان و میزان تحصیلات آنها رابطه‌ای وجود ندارد. یافته‌ی پژوهش حاضر با یافته‌ی تحقیق شاه‌طالبی (۱۳۷۸) مبنی بر عدم وجود رابطه میان استفاده از مکانیسم‌های سازگاری با تحصیلات کارکنان، چنانچه بتوان سازگاری اجتماعی را زیرمجموعه‌ای از مکانیسم‌های سازگاری کلی فرد دانست، همسویی نسبی دارد ولی با یافته‌ی تحقیق رید (۱۹۹۲) و این جرسول^۱ (۱۹۹۲) همسویی ندارد. به‌نظر می‌رسد شرکت‌کنندگان در تحقیق حاضر، در حین پاسخگویی به سؤالات به دلیل محافظه‌کاری به‌طور خواسته یا ناخواسته صادقانه پاسخ نداده‌اند. پراکندگی و تنوع سطوح تحصیلی گروه مورد مطالعه (از زیر دیپلم تا فوق‌لیسانس) نیز ممکن است علت عدم وجود رابطه میان سازگاری اجتماعی و میزان تحصیلات کارکنان باشد. در عین حال میزان سازگاری آزمودنی‌های این تحقیق صرفاً تحت تأثیر تحصیلات آنها نبوده بلکه متغیرهای احتمالی دیگری نظیر؛ وضعیت اجتماعی-اقتصادی فرد (حق‌شناس، ۱۳۷۳)، هوش (کریمی، ۱۳۷۲) و جنسیت (حق‌شناس، ۱۳۷۳) افراد نیز این رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فرضیه‌ی فرعی شماره شش در خصوص این که بین سازگاری اجتماعی و سن کارکنان رابطه وجود دارد در سطح اطمینان ($P \leq 0/05$) مورد تأیید قرار گرفت. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش عبدی‌فر (۱۳۷۴) همسویی دارد. همچنین این یافته را می‌توان بر پایه‌ی دیدگاه یادگیری اجتماعی مورد تبیین قرار داد. برپایه‌ی این دیدگاه به همراه افزایش سن، فرد از طریق یادگیری مشاهده‌ای، الگوهای رفتاری متعددی را فرا می‌گیرد و به تدریج خزانه‌ی الگوهای رفتاری وی گسترش بیشتری پیدا خواهد کرد. این گستردگی به همراه افزایش کمی و کیفی تعاملات اجتماعی فرد، شناخت بهتر و بیشتری از رفتارهای منطبق با هنجارهای اجتماعی را برای وی امکان‌پذیر

1. Ingersoll



فرهنگ اصفهان
(یافته‌های پژوهش‌های فرهنگی و هنری)

می‌سازد. به عبارت دیگر، فرد با مشاهده‌ی الگوها و معیارهای رفتاری جامعه‌پسند و نیز بازخورد مثبت این‌گونه رفتارها، به‌نوعی خودگردانی^۱ در رفتار خویش دست می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت: این مسأله نهایتاً منجر به بروز رفتارهای سازگارانه‌تر در فرد می‌گردد. بر این اساس می‌توان اذعان داشت که با بالا رفتن سن، افراد از تجربه‌ی بیشتری در زمینه‌ی نحوه‌ی رفتار در موقعیت‌های مختلف اجتماعی برخوردار شده و آشنایی عمیق‌تری با معیارها و هنجارهای اجتماعی کسب می‌نمایند. همین امر باعث می‌شود آنان قابلیت انعطاف‌پذیری و سازگاری اجتماعی از خود نشان دهند.

پیشنهادهات:

- ۱- براساس یافته‌های این پژوهش، لازم است برای کارکنانی که از خودپنداره‌ی پایینی برخوردار می‌باشند، دوره‌های آموزشی در زمینه‌ی روانشناسی در نظر گرفت تا آنان نسبت به نقاط ضعف و قوت خود و چگونگی ارتقای خودپنداره‌ی خویش اطلاعاتی کسب نمایند و بدین‌وسیله موجبات سازگاری بیشتر آنان فراهم آید. همچنین پیشنهاد می‌شود با تهیه‌ی بروشورها و مقالات علمی به زبان ساده و تدارک برنامه‌های سخنرانی توسط متخصصین روانشناسی و مشاوره، اطلاعات کافی در خصوص چگونگی ارتقای سطح سازگاری اجتماعی به آن دسته از افرادی که نمرات پایینی در این زمینه کسب کرده‌اند ارائه گردد.
- ۲- از آنجایی که براساس اطلاعات حاصل، میان افزایش تحصیلات و خودپنداره‌ی بالا رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود داشت، لازم است تسهیلات و امکانات لازم جهت ادامه‌ی تحصیل آن‌دسته از کارکنانی که از سطح پایینی از خودپنداره برخوردارند فراهم آید.
- ۳- با توجه به رابطه‌ی میان سازگاری اجتماعی و سابقه کار و سن که مورد تأیید قرار گرفت، پیشنهاد می‌شود آن دسته از کارکنانی که از سنوات خدمت و سن بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند، به‌عنوان الگوی موفق، اطلاعات و تجارب خود را در قالب نشست‌های گروهی در اختیار همکاران خود قرار دهند تا از این طریق، موجبات افزایش کمی و کیفی تعاملات بین فردی و سازگاری اجتماعی آنان فراهم آید.
- ۴- همچنین به پژوهشگران علاقمند پیشنهاد می‌شود رابطه‌ی میان خودپنداره را با ابعاد گوناگون شغلی نظیر: رضایت شغلی، نحوه‌ی ارتباطات سازمانی، انگیزش پیشرفت، خلاقیت و نوآوری شغلی مورد بررسی و تحقیق قرار دهند.

1. self-regulation

● منابع فارسی:

- احمدی، خ. (۱۳۷۶). خودشناسی در روانشناسی، تهران: انتشارات میکایل.
- ارمسطوی ایرانی، ه. (۱۳۷۲). بررسی ارتباط خودپنداری با جنسیت و پیشرفت تحصیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی (چاپ نشده)، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- امین یزدی، الف. (۱۳۷۳). بررسی محتوای خود نزد پسران و دختران در آغاز و پایان نوجوانی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی و مشاوره (چاپ نشده)، تهران: دانشگاه تهران.
- بیابانگرد، الف. (۱۳۷۳). روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- پروین ال‌ای. (۱۳۷۳). روانشناسی شخصیت، ترجمه‌ی محمدجعفر مصفا و پروین کدیور، ج اول، تهران: انتشارات رسا.
- تاپیا، ک. (۱۳۷۹). درآمدی بر روانشناسی اجتماعی، ترجمه‌ی مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.
- تقی‌زاده، م. الف. (۱۳۷۵). میزان هماهنگی نگرش‌های تربیتی والدین به فرزندان پسر و ارتباط آن با خودپنداری نوجوانان پسر، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش (چاپ نشده)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- حق‌شناس، م. الف. (۱۳۷۳). بررسی نقش اردوهای تربیتی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌ی استان مرکزی، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- راجرز، دی. (۱۳۷۳). روانشناسی کودک، ترجمه‌ی غلامعلی سرمد، تهران: انتشارات آوای نور.
- راس، ای. (۱۳۷۵). روانشناسی شخصیت نظریه‌ها و فرایندها، ترجمه‌ی سیاوش جمالیفر، تهران: نشر روان.
- رضازاده، ح. ر. (۱۳۷۶). درآمدی بر روانشناسی خود، تهران: نشر آینه.
- شاه‌طالبی، ب. (۱۳۷۸). بررسی مکانیسم‌های سازگاری دبیران دبیرستان‌های شهر اصفهان با محیط واحدهای آموزش، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی مدیریت آموزشی (چاپ نشده)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، دانشکده‌ی تحصیلات تکمیلی.
- شعاری‌نژاد، ع. الف. (۱۳۷۳). روانشناسی رشد بزرگسالان در فراخنای زندگی، تهران: انتشارات پیام آزادی.
- شفیع‌آبادی، ع. و ولی‌نوری، الف. (۱۳۷۳). رابطه‌ی بین احساس بیگانگی و خودپنداری، فصلنامه‌ی پژوهش‌های روانشناختی، سال سوم، شماره ۲ و ۱، ص ۲۲ و ۲۰.
- صادقی، ن. (۱۳۷۸). توصیف خود، پژوهش مقایسه‌ای بر مبنای سن و جنس، فصلنامه‌ی روانشناسی و علوم تربیتی، سال چهارم، شماره ۱، ص ۵۴-۳۸.
- عبدی‌فر، س. (۱۳۷۴). بررسی رابطه‌ی حمایت اجتماعی و منبع کنترل درونی با سازگاری در دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه مشهد، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی (چاپ شده)، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- ماسن، ب. ه.، کیگان، ج. هوستون، آ. سی و کانجر، ج. ج. (۱۳۷۰). رشد و شخصیت کودک، ترجمه‌ی مهشید یاسایی، تهران: نشر مرکز.
- نوابی‌نژاد، ش. (۱۳۷۰). رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راه‌های پیشگیری و درمان ناهنجاری‌ها، تهران: انتشارات ابتکار هنر.
- هادی‌ع. (۱۳۷۶). بررسی تأثیر آموزش شناختی بر خودپنداره‌ی دختران ۱۷-۱۴ ساله‌ی شهرستان نجف‌آباد، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی روانشناسی عمومی (چاپ نشده)، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد خوراسگان، دانشکده‌ی تحصیلات تکمیلی.
- کیامقدم، م. (۱۳۷۸). بررسی رابطه‌ی بین افسردگی و خودپنداره‌ی گروهی از دانش‌آموزان دختر و پسر، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی روانشناسی و مشاوره (چاپ نشده)، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

● منابع لاتین (انگلیسی):

- Chan, D.W, and Lee, H.B (1993). Dimentions of self esteem and psychological symptoms among chines adolescents in Hong Kong, "*Journal of Youth and Adolescence*". Vol: 22(4), PP:425-440.
- Damon, W, and Hart, D. (1982). The development of self: Understanding from infancy through adolescence, "*Journal of Child Development*", Vol: 35, PP:849-846.
- Gorey, G (1994). "*Theory and Practice of Group Counseling*" the edns California: Brook/Cole.
- Green. A.L. & Reed, E. (1995). Social content differences in the relation between self-esteem. "*Journal of adolescent research*", Vol:(2). PP:226-282.
- Gurney, P.W. (1988). "*self-esteem in children with special educational needs*", London: Routledge Inc.
- Ingersoll, K.S. (1992). "*Social adjustment of family early college enterance (Woman Student)*", University of California Press.
- Pirgo,E, and Polkki, F.G. (1991). Self-Concept and social skills of school beginners. Publisher of University of calipornia.
- Purkey, W.W. and Novak, J.M. (1996). "*Inviting school succes: A self-Concept Approach to teaching and democratic Practice*", (Third. edardedn). Belmont, CA: Wadsworth Publishing.
- Read, D.A (1992). The internal working model of self, attachment, and competence in five years-old. "*Journal of child development*", Vol: 61, PP:2493-2511.
- Rogrs, C. (1980). Away of bing. Boston: Houghton mifflin.
- Verschuren, K. (1996). The internal working model of self, Attachment, and competence in hiveryear-old. journal of ohild development. Vol: 67, P:2493-2511.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی